

## **Duty to warn: analyzing the civil liability of manufacturers of products and service providers**

**Hasan Badini<sup>1</sup>, Karim Imani<sup>2\*</sup>**

*1. Associate Professor, Private and Islamic Law Department, University of Tehran*  
*2. A Graduate of Medical Law, University of Tehran*

(Received: October 28, 2019 ; Accepted: September 13, 2022 )

### **Abstract**

Astonishing developments in technology and the rise of dangerous settings have increased and diversified examples of situations that may inflict damage on individuals. Hence it has been indispensable to develop legal institutions to counter such damages. The duty to warn is one of these institutions that has been developed and applied in modern legal systems. The duty to warn not only has preventive effects; it also can prevent manufacturers' civil liability from happening or at least it can diminish it. The duty to warn can also prevent or lower civil liability of operators of dangerous settings. Despite these pros brought about by the duty to warn, our legal system does not deal with it adequately, if not at all. This article critically examines the existing scholarship on the duty to warn. It concludes that "all circumstances of the case" is an appropriate criterion to adopt in order to establish liability.

### **Keywords**

Duty to Warn, Civil Liability, Warner, Receiver of Warning.

---

\* Corresponding Author, Email: [k.imani@ut.ac.ir](mailto:k.imani@ut.ac.ir)

## نگرشی تحلیلی بر نقش هشدار در مسئولیت مدنی تولیدکنندگان کالا و ارائه‌دهندگان خدمات

حسن بادینی<sup>۱</sup>، کریم ایمانی<sup>۲\*</sup>

۱. دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ایران
۲. کارشناس ارشد حقوق خصوصی و فارغ‌التحصیل حقوق پزشکی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۰۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۲

### چکیده

توسعه شگرف تکنولوژی و افزایش شرایط و محیط‌های خطرناک منجر به افزایش و تنوع مصادیق ورود زیان به اشخاص و در نتیجه ضرورت توسعه نهادهای حقوقی برای مقابله با چنین زیان‌هایی شده است. نهاد حقوقی «هشدار» یکی از راه‌کارهای حقوقی است که در نظام‌های حقوقی پیشرفته برای مقابله با زیان‌های بادشده توسعه یافته است. این نهاد حقوقی علاوه بر پیشگیری از وقوع چنین زیان‌هایی مانع ایجاد مسئولیت مدنی تولیدکنندگان یا کاهش آن و همچنین سبب رفع یا کاهش مسئولیت متصدیان محیط‌های خطرناک می‌شود. اما متأسفانه در نهاد قانون‌گذاری نظام نوین مسئولیت مدنی درباره این موضوع مهم توجه شایان ذکری به این نهاد حقوقی نشده است. نوشتار حاضر به ارزیابی دیدگاه‌های موجود در خصوص نهاد هشدار پرداخته است. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که معیار «توجه به تمام اوضاع و احوال حاکم بر قضیه» از مطلوبیت بیشتری برخوردار است و نیاز به احراز همه شرایط نیست.

### کلیدواژه‌گان

تکلیف به دادن هشدار، مسئولیت مدنی، هشداردهنده، هشدارگیرنده.

\* رایانامه نویسنده مسئول: k.imani@ut.ac.ir

### مقدمه

فراوانی موقعیت‌های خطرناک روشنفکران هر جامعه‌ای را برای ارائه راهکاری در جهت کاهش صدمات ناشی از این شرایط حادثه‌آفرین به تکاپو وامی‌دارد. یکی از این راه‌کارها هشدارها هستند. هشدارها می‌توانند رابطه مستقیم با کاهش صدمات و زیان‌ها داشته باشند. بدین توضیح که می‌توان با ارائه هشدارهای مؤثر و کافی زیان‌های ناشی از این شرایط را به حداقل رساند. از طرف دیگر در صورتی که هشدارها شرایطی را که در این پژوهش بررسی و تحلیل خواهد شد داشته باشند می‌توانند رافع مسئولیت هشداردهنده باشند یا کاهش مسئولیت وی را در پی داشته باشند. مؤثر بودن هشدار، فرصت کافی برای اجتناب از محیط خطرناک (نتیجتاً زیان)، ضرورت یا عدم ضرورت وصول هشدار به زیان‌دیده، خطر قابل پیش‌بینی، و ... شرایطی است که در هر پرونده مورد بررسی قرار می‌گیرد تا در نتیجه تکلیف یک دعوای حقوقی مشخص شود.

تعهد به دادن هشدار و اطلاع‌رسانی بیانگر اعتقاد به توانایی مصرف‌کننده در دفاع از منافع خود است. بنابراین، در این مورد قانون صرفاً امکان دفاع را به مصرف‌کنندگان اعطا می‌کند. اما حمایت از مصرف‌کنندگان در واقع پذیرش این معنا است که ایشان، حتی در فرضی که برخوردار از اطلاعات باشند، قربانی سوءاستفاده‌هایی خواهند بود که توان مقابله با آن را ندارند. در نتیجه، قانون سعی بر مقابله مستقیم با این قبیل سوءاستفاده‌ها دارد. اما قانون‌گذار بر چه اساسی تولیدکننده و ارائه‌دهنده خدمات را متعهد به رعایت دستورالعمل‌ها و قوانینی در خصوص ارائه هشدارها و اطلاعات کافی و مؤثر ملزم می‌کند؟ و آیا این تعهد را به طور یک‌جانبه بر آنان تحمیل می‌کند؟ فلسفه تعهد به ارائه هشدار به دلیل تفکر حمایت از شخص غیرمتخصصی است که به واسطه نداشتن اطلاعات تخصصی و حرفه‌ای در موضع ضعیف‌تری قرار گرفته است. اما تولیدکننده و ارائه‌دهنده خدمات به لحاظ تخصص و حرفه‌ای بودن فعالیتشان از مهارت و آگاهی کامل برخوردار هستند. از این رو، متعهد به ارائه هشدارهای کافی و لازم‌اند.

### مفهوم و مبانی و معیارهای هشدار

#### الف) معنا و مفهوم هشدار

هشدار در فقه تحت عنوان قاعده تحذیر با عبارت «قد أعذر من حذر» شناخته شده است و مراد از

آن عدم ضمان هشداردهنده است (عاملی، بی‌تا: ۳۴۲). این قاعده از سوی بسیاری از فقها به‌اختصار در موردی که شخص در میدان تیراندازی دیگری را از خطر آگاه می‌کند تا به منطقه خطرناک، یعنی میدان تیراندازی، وارد نشود، نقل شده است (طوسی ۱۴۰۶ ق: ۲۰۷؛ موسوی خویی، بی‌تا: ۲۳۲؛ موسوی بجنوردی ۱۳۸۵: ۲۳۹؛ نجفی، بی‌تا: ۶۸). هشدار در حقوق کنونی در مقررات گوناگون جایگاه اجرایی متفاوتی دارد. به طور کلی مفهوم هشدار در حقوق کنونی عبارت است از یک اقدام کتبی یا شفاهی از سوی اداره‌کننده محیط یا موقعیت خطرناک که دلالت بر پرهیز از انجام دادن فعل و در مواردی ترک فعل دارد.

قبل از اینکه حقوق مربوط به تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان تغییر کند، تولیدکنندگان همه حقوق مربوط به مصرف‌کنندگان را حذف می‌کردند و بیشتر حمایت متوجه تولیدکنندگان بود (Slawson 1996: 101). خطرات تهدیدکننده کالاها، در رابطه با مصرف‌کنندگان، را نخستین بار فلاسفه امریکایی پیش‌بینی کردند و به دنبال آن در سال ۱۹۶۲ میلادی رئیس‌جمهور وقت امریکا، جان اف کندی، جهت حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان به تدوین قوانینی در سرفصل‌هایی همچون: برخورداری از حق امنیت، حق داشتن اطلاعات، حق انتخاب پرداخت. قانون‌گذاران اروپای غربی از اوایل قرن بیستم، با ملاحظه ضرورت‌های اجتماعی، به طور غیرمنسجم و موردی در جهت برقراری ایجاد تعادل در روابط قراردادی پا به میدان نهادند (کله‌الوا ۱۳۷۷: ۲۳۹). در نتیجه، با رشد و گسترش صنعت و تکنولوژی و خطرات ناشی از آن، ضرورت حمایت از مصرف‌کننده از سوی حقوقدانان مطرح شد و به تدوین قوانینی از جمله حق داشتن اطلاعات و ارائه هشدار و ... انجامید.

#### ب) مبانی نهاد حقوقی هشدار

بر مبنای اصل بازدارندگی اقتصادی در نظام مسئولیت مدنی «باید با تحمیل مسئولیت بر عهده افرادی که می‌توانند با کمترین هزینه مانع ایجاد خطر شوند از ضرر غیراقتصادی پیشگیری کرد.» (Bayles 1987: 216). از منظر اقتصادی، با تحمیل مسئولیت بر عهده ارائه‌دهندگان خدمات و تولیدکنندگان و دیگر فعالان اقتصادی به ارائه هشدار و آگاه ساختن افراد جامعه از خطرات و زیان‌های احتمالی، می‌توان این هدف اقتصادی نظام مسئولیت مدنی را تا حد زیادی بهبود بخشید.

نهاد هشدار همانند «نظریه خطر» ناظر بر مدیریت محیط یا موقعیت خطرناک است. در نظریه خطر، خواننده صرف‌نظر از قابل پیش‌بینی یا غیرقابل پیش‌بینی بودن ضرر مسئول جبران ضرر و زیان ناشی از فعل یا ترک فعل خود است. در مقابل، هشدار ناظر به خطر قابل پیش‌بینی است و مسئولیت خواننده منوط به تحقق شرایط دیگر است؛ از قبیل غیرقابل اجتناب بودن خطر و تأثیر یا وصول هشدار به زیان‌دیده.

هشدار با «نظریه تضمین حق» نیز نقاط اشتراک و تمایزی دارد. هر دو در صدد تضمین ایمنی و سلامتی افراد در جامعه هستند. به موجب «نظریه تضمین حق» مسئولیت به محض ورود صدمه و زیان تحقق پیدا می‌کند (کاتوزیان ۱۳۹۷: ۱۹۷). اما در هشدار اثبات نقض تعهد خواننده در عدم ارائه هشدار ضروری است.

برخلاف نظریه‌های فوق که ممکن است انتساب فعل زیان‌بار ناشی از اقدام شخص زیان‌دیده باشد و نتوان خواننده را علت و سبب اصلی ورود زیان دانست، بر مبنای نهاد هشدار، با تطبیق شرایط حاکم بر آن، به شناخت مبنایی دقیق که منطبق بر انصاف و عدالت است دست خواهیم یافت. ظاهراً، هشدار با مبنای «نظریه تقصیر» و به مفهوم ارزیابی نوعی آن شباهت و همسویی بیشتری دارد. همان‌گونه که مسئولیت مدنی ناشی از تقصیر ناظر به تعهد به احتیاط است که در نتیجه نقض این تعهد خسارت و زیان وارد می‌شود، نهاد هشدار در قالب یک تعهد تعریف می‌شود که در اثر بی‌احتیاطی و نقض تعهد به ارائه هشدارهای کافی و لازم موجب وقوع زیان و خسارت می‌شود. با وجود این، هشدار با توجه به جایگاه و شرایط حاکم بر آن به مانند نظریه‌های پیش‌گفته راهکاری مستقل برای جبران خسارت است که تکلیف یک دعوای مسئولیت مدنی را مشخص می‌کند. در واقع، وضع نهاد هشدار در صدد تأمین اهدافی همچون پیشگیری از وقوع زیان، توزیع عادلانه ریسک، رفاه اجتماعی، و راهکاری عادلانه برای جبران خسارت است. در ادامه با توجه به معیارهای ذیل به بررسی فعل یا ترک فعل زیان‌بار زیان‌رساننده (هشداردهنده) خواهیم پرداخت.

### ج) معیارهای مسئولیت هشدارگیرنده

در این قسمت ضوابط و معیارهای حاکم بر ارزیابی مسئولیت هشدارگیرنده بررسی می‌شود. بر این اساس، معیارهای شخصی و نوعی و ترکیبی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

### ۱. معیار شخصی

معیار شخصی به قابلیت ذهنی و درونی انسان در قبول مسئولیت توجه دارد. بر این اساس به موجب این معیار افراد فاقد تمیز و اراده، مانند صغیر غیرممیز و مجنون، از لحاظ مدنی مسئول نیستند. تکیه اصلی این معیار بر آزادی فردی و فعالیت انسان استوار است. بنابراین، اشخاص تنها در صورتی مسئول شناخته می‌شوند که از نظر اخلاقی قابل سرزنش باشند که نتیجه آن محدود شدن دایره مسئولیت است (Viney 2009: n 25؛ بادینی ۱۳۸۹: ۷۹ و ۸۳).

به موجب معیار شخصی، مسئولیت شخص با توجه به خصوصیات و امکانات وی، خصوصیات و امکانات هشدارگیرنده، و امکان کنترل و پیش‌بینی‌های لازم از حوادث و خطرات احتمالی ارزیابی می‌شود. در نتیجه، مسئولیت در این معیار ماهیت فردی دارد و ممکن است از فردی به فرد دیگر تفاوت داشته باشد. مثلاً، در حمل‌ونقل کالا مسئولیت هشداردهنده ممکن است در ارتباط با متصدی حمل‌ونقل، ارسال‌کننده کالا، فورواردر (واسطه)، و ... متفاوت باشد.

### ۲. معیار نوعی

در معیار نوعی، مبنای تقصیر و رفتار سرزنش‌آمیز رفتار انسان متعارف است و به طور قطع انسان متعارف انسانی دارای تمیز و اراده است (قاسم‌زاده ۱۳۸۴: ۷۸. حقوقدانان ایران و بسیاری از فقها نیز این معیار را برگزیده‌اند. برای مطالعه بیشتر در این مورد ← صفایی و رحیمی ۱۳۹۸: ۱۴۸ به بعد؛ کاتوزیان ۱۳۹۷: ۳۰۵؛ السنهوری ۱۹۹۸ م: ۹۰۵؛ النقیب ۱۹۸۱ م: ۱۴۸).

از منظر فقهی حتی در مواردی که دربارهٔ قوهٔ قاهره یا حادثهٔ غیرقابل پیش‌بینی بحث می‌شود توانایی یا عدم توانایی متعهد بر اساس شرایط عرفی و رفتار انسانی متعارف سنجیده می‌شود. این دیدگاه شامل هر دو نوع مسئولیت قراردادی و قهری است (اسماعیلی ۱۳۸۱: ۱۷۴). «در حقوق انگلستان، عرف نه‌تنها به عنوان منبع تشخیص موضوعات حقوقی در ارادهٔ طرف‌های قرارداد مورد توجه است، بلکه به عنوان منبع اصلی و تاریخ حقوق انگلستان و تعیین‌کنندهٔ احکام روابط اجتماعی نیز مطرح است.» (شهیدی ۱۳۸۵: ۳۳۶). بنابراین، در حقوق انگلیس معیار نوعی یا عرفی نقشی اساسی و تعیین‌کننده در روابط و مناسبات حقوقی ایفا می‌کند و ضابطهٔ مسئولیت افراد بر مبنای این معیار سنجیده می‌شود. در حقوق کامن‌لا و نظام حقوقی فرانسه بیماری‌ها و معلولیت‌های

جسمی شرایط خارجی برای تشخیص تقصیر در نظر گرفته می‌شوند. اما بیمارهای ذهنی و جنون مورد توجه قرار نمی‌گیرند و رفتار این افراد با انسانی متعارف و سالم سنجیده می‌شود. اما این بحث بین حقوقدان‌ها مطرح است که آیا بیمار ذهنی صرف‌نظر از تعهد به جبران خسارت قابلیت ارتکاب تقصیر را دارد؟ ( Le Toumeau & Cadiet 2002: n 41-42; Malaurie & Aynes 2002: 1336). به این معیار نوعی در حقوق کامن‌لا «انسان معقول»<sup>۱</sup> و در حقوق فرانسه «پدر خوب خانواده»<sup>۲</sup> گفته می‌شود. نکته قابل بیان در مورد این معیار آن است که باید دو عامل سن و جنس را جهت تشخیص رفتار زیان‌دیده در نظر گرفت.

از این رو، در مورد هشدار از منظر معیار نوعی، هشداردهنده باید بسته به شرایط هشدار رفتاری انجام دهد که از یک فرد معقول و متعارف مورد انتظار است. مثلاً اگر هشداردهنده مکلف به ارائه هشدارهای کتبی است، اما هشدارگیرنده به دلیل نابینا بودن به خطرات احتمالی پی نبرد، هشداردهنده‌ای که با عنایت به معیار نوعی به تکلیف خود در زمینه هشدار عمل کرده در ارتباط با خسارات وارده مسئول نیست.

مطابق این معیار، اگر شخصی آگاه از خطری باشد، عدم هشدار ضمانتی برای هشداردهنده به بار نمی‌آورد. همچنین، بیان موردی که خطر در دید عرف آشکار و واضح است. مثلاً ضرورتی ندارد امکان آسیب دیدن دست هنگام استفاده از چکش یا برنده بودن چاقو هشدار داده شود. یکی از مباحث مهم اصول فقه، که کاربرد زیادی در علم حقوق دارد و به منزله یک ضابطه و معیار سنجش محدوده و تکلیف یک مسئله حقوقی را روشن می‌کند، تشخیص حکم تکلیفی از حکم وضعی است<sup>۳</sup> که این ضابطه در واقع بیانگر همان شرایط حاکم بر معیار نوعی است. در

1. Reasonable person= reasonable man.

2. Le bon pere defamille= bonus pater familias.

۳. به طور کلی، در مواردی که قانون‌گذار تکلیفی در خصوص دعوی مطروحه ندارد یا حکم آن مسئله برای ما مبهم است می‌توان با توسل به این معیار تکلیف آن مسئله را مشخص کرد. حکم وضعی مقابل حکم تکلیفی است (برای مطالعه گسترده در مورد تشخیص حکم وضعی از حکم تکلیفی \* موسوی بجنوردی ۱۳۸۷: ۴۵ به بعد؛ موسوی خمینی ۱۴۱۴ ق: ۷۳؛ تقوی اشتهاردی ۱۴۲۷ ق: ج ۴، ۷۳؛ موسوی بجنوردی ۱۴۲۱ ق: ج ۲، ۵۲۰ به بعد؛ موسوی خوبی ۱۴۲۰ ق: ج ۴، ۷۵؛ گرجی ۱۳۸۷: ۱۴).

بحث حکم تکلیفی، ما به دنبال کیفر و مجازات هستیم؛ درحالی‌که تعهد ناشی از هشدار در مواردی است که اثر تعهد، جنبه جبران خسارت دارد. در فرضی که هشداردهنده به شرایط هشدار آگاهی ندارد و در نتیجه زیانی به دیگری می‌رساند رافع مسئولیت شخص هشداردهنده نیست. به این دلیل که در فرض مورد بحث تعهد به هشدار جزء احکام تکلیفی نیست که جهل به آن موجب رفع مسئولیت هشداردهنده شود. اما از منظر جهل به موضوع اگر هشدار جنبه کیفر و مجازات داشت، جزء احکام تکلیفی بود و موجب عدم مسئولیت هشداردهنده می‌شد؛ درحالی‌که جهل به شرایط هشدار موجب سلب مسئولیت هشداردهنده نمی‌شود. زیرا، تکلیف به جبران خسارت در قلمرو احکام وضعی است. بنابراین هشداردهنده باید همه شرایط حاکم بر هشدار را رعایت کند. در نتیجه جهل به موضوع در احکام وضعی بی‌اثر است. از این رو، در نتیجه بحث، با توجه به دلایلی که بیان شد، معیار وضعی در واقع همان معیار نوعی است که می‌توان جهت سنجش رفتار هشداردهنده در نظر گرفت.

### ۳. معیار ترکیبی

برخی حقوقدانان فرانسه، مانند برادران مازو و تنک و شابا، شرایط درونی و فردی را در احراز تقصیر نادیده می‌گیرند. اما شرایط بیرونی و خارجی، مانند شرایط زمانی و مکانی، را چون جنبه فردی ندارد در ارزیابی تقصیر در نظر می‌گیرند (Mazead & Viney & Jourdain 1998: n 471; Mazead & Chabas: n 448; Tunc 1965: n 418- 445). در مقابل این نظریه، بسیاری از حقوقدانان جدید، مثل نوئل<sup>۱</sup> و دژان<sup>۲</sup> و لاباتی<sup>۳</sup>، بین شرایط درونی و فردی هم قائل به تفکیک شده‌اند و بر این عقیده‌اند که قاضی باید آن دسته از شرایط درونی را که به آسانی به طور عینی قابل ارزیابی است مد نظر قرار دهد. شرایط درونی، مادی، جسمی، اقتصادی، به‌ویژه سن، وضعیت سلامتی و توانایی‌های جسمی، یا وضعیت مالی و میزان دانش و اطلاعات افزون بر آنچه از انسان معقول و متعارف انتظار می‌رود داشته باشد از این قبیل است. برعکس، قاضی باید شرایط درونی از نوع ذهنی یا روانی مانند هوشمندی، میزان آگاهی، شخصیت، و انگیزه‌های عمل را نادیده گیرد

---

1. Noel  
2. Dejan  
3. la Batie



(Jourdain 2007: 46-47; Viney & Jourdain 1998: n 465). درباره بحث ما که راجع به هشدار است این دیدگاه قابل پذیرش نیست. به نظر می‌رسد در این مورد بین رفتار یک متخصص و صاحب حرفه و از سوی دیگر بین رفتار مصرف‌کننده باید قائل به تفکیک شد. مثلاً، در مورد تولیدکننده یا سازنده کالا به واسطه انجام دادن کار تخصصی که به آن اشتغال دارند انتظاری بیشتر از افراد متعارف جامعه می‌رود. از این رو، میزان آگاهی بیشتر و داشتن اطلاعات تخصصی و مهارت کافی را ایجاب می‌کند. همچنین، این دیدگاه با شرایط حمایت از حقوق مصرف‌کننده که هشداردهنده باید اطلاعات و آگاهی کاملی از خطر قابل پیش‌بینی داشته باشد ناسازگار است. از این رو، به نظر می‌رسد فرض آگاهی بیشتر را به طور مطلق باید در مورد هشداردهنده پذیرفت، حتی اگر بتواند عدم آگاهی خود را اثبات کند؛ مگر اینکه فرضی باشد که به هیچ وجه قابل پیش‌بینی نباشد. بنابراین، این دیدگاه طرفداران نظر نخست که شرایط درونی و فردی را در احراز تقصیر نادیده می‌گیرند با قواعد هشدار کاملاً هماهنگ است. در نتیجه، اگر رفتار انسان معقول و متعارف را مطابق نوع فعالیت و حرفه‌ای که مشغول به آن است بسنجیم، نمی‌توان قائل به تفکیک بین شرایط درونی و فردی افراد شد. زیرا تعهد به دادن اطلاعات و هشدارهای کافی و لازم در مورد هر گونه خطر احتمالی به واسطه تخصص و مهارت هشداردهنده کنشی متعارف و معقول است. اما در فرض دوم، یعنی رفتار زیان‌دیده یا مصرف‌کننده، به نظر می‌رسد با نظریه دوم که قائل به تفکیک بین شرایط درونی و فردی است سازگار است. زیرا، زیان‌دیده یا مصرف‌کننده متخصص فرض نمی‌شود تا تکلیفی به داشتن استعداد و آگاهی بیشتر داشته باشد.

### ج) رویکردهای مسئولیت هشداردهنده

در مباحث قبلی به بررسی معیارهای احراز مسئولیت هشدارگیرنده پرداخته شد. در این قسمت رویکردهای احراز مسئولیت هشداردهنده مورد تدقیق قرار گرفته است. در خصوص مسئولیت هشداردهنده سه رویکرد یا دیدگاه «تعهد قراردادی»<sup>۱</sup>، «تعهد غیر قراردادی»<sup>۲</sup>، «مختلط»<sup>۳</sup> مطرح شده است.

1. the duty approach
2. the restatement approach
3. the mixed approach

### ۱. تعهد قراردادی

در دیدگاه مبتنی بر تعهد قراردادی، فروشنده یا ارائه‌دهنده خدمات هیچ وظیفه‌ای ندارد که به مصرف‌کننده نهایی هشدار دهد و صرفاً در مقابل طرف قرارداد مستقیم خودش مسئول است. در واقع، هشداردهنده هیچ مسئولیتی در مقابل مصرف‌کننده غیرمستقیم نخواهد داشت. اگر هر عضو از زنجیره عضو بعدی را آگاه کند، در نتیجه، هر عضو به طور کامل از خطرات آگاه می‌شود و وظیفه آگاه کردن عضو بعدی را به عهده می‌گیرد و به همین صورت مصرف‌کننده نهایی نیز از اطلاعات در مورد خطرات کالا مطلع می‌شود (Kenneth 1988: 579).

### ۲. تعهد غیرقراردادی

مطابق این دیدگاه، شخص علاوه بر طرف مستقیم قراردادی ملزم به هشدار دادن به واسطه‌ها و مصرف‌کننده غیرمستقیم نیز هست (Kenneth 1988: 580). این دیدگاه به جهت فرض مسئولیت مطلق (Deakin et al. 2008: 203) روشی بهتر در انتقال اطلاعات برای ارائه هشدار است.

### ۳. دیدگاه مختلط

این دیدگاه مزایای هر دو دیدگاه پیشین را ترکیب می‌کند و تولیدکنندگان یا ارائه‌کنندگان خدمات را از واسطه‌ها به سمت هشدار مستقیم به مصرف‌کنندگان نهایی سوق می‌دهد. در واقع، با تکیه بر شناخت کامل وظایف هر هشداردهنده (تولیدکننده، کارفرما یا فروشنده، ارسال‌کننده کالا، نماینده یا واسطه‌ها، و ...) در قبال تعهدات و وظایفی که مکلف به رعایت آن‌ها بوده است پاسخگوست (Kenneth 1988: 607). ماده ۳۴ قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی، مصوب ۱۳۶۷، تکلیف به الصاق برچسب اطلاعاتی را صرفاً بر عهده تولیدکنندگان قرار داده و بقیه افرادی که در زنجیره تولید به مصرف نقش دارند معاف از این وظیفه اند. اما بند ۲ ماده ۳ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان تکلیف به ارائه اطلاعات لازم درباره کالا را نام برده و این وظیفه را به عهده تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان کالا و خدمات قرار داده است.

به نظر می‌رسد هشدار مستقیم و بدون واسطه همیشه مؤثر نیست. زیرا تولیدکننده یا ارائه‌دهنده خدمات، که هشدار می‌دهد، ممکن است اطلاعات محدودی در زمینه خطرات یا تماس محدودی با مصرف‌کننده نهایی داشته باشد و از خطرات کالایی که خود تولید کرده مطلع نباشد.

### شرایط هشدار

در این قسمت به بررسی تعهدات قانونی، قراردادی، و عرفی نهاد هشدار و شرایط احراز مسئولیت و آثار آن خواهیم پرداخت. به طور خلاصه، بر حسب اتخاذ هر یک از تعهدات یادشده رعایت شرایط هشدار می‌تواند در مواردی موجب عدم مسئولیت مطلق یا کاهش مسئولیت شود.

به طور کلی، امکان استناد به نهاد هشدار مستلزم تحقق شرایطی است و در این ارتباط تعیین مفهوم هشدار از اهمیت خاصی برخوردار است. در ادامه به بررسی شرایط یادشده در فقه، حقوق ایران، و در مواردی سایر نظام‌های حقوقی خواهیم پرداخت. نتیجه حاصله به طور خلاصه حکایت از آن دارد که تحقق همه شرایط در همه موارد لازم نیست و بسته به مورد خاص تحقق شرایط مختلفی لازم است.

### الف) ضرورت و کفایت اعلام هشدار

تولیدکننده یا ارائه‌دهنده خدمات، علاوه بر اعلام هشدار در خصوص خطرات استفاده از کالا یا خدمات، باید به طور متعارف هشدارهای کافی و لازم را به اطلاع هشدارگیرنده برساند. هشداردهنده علاوه بر ارائه هشدار در مورد عیوب و خصوصیات کالا یا خدمات و شیوه استفاده از آن باید درباره خطرهای استفاده بیش از حد مجاز، زیان‌های احتمالی، و استعمال نادرست و نابه‌جای کالا یا خدمات که عرف یا قانون یا قرارداد تکلیف به ارائه آن را مقرر کرده مکلف به ارائه هشدار است.

در مواردی یک هشدار شفاهی می‌تواند کافی باشد و نیازی نیست که همیشه هشدار مکتوب باشد (Harvey & Marston 1998: 278). قانون سوم مسئولیت مدنی آمریکا، که راجع به مسئولیت کالاهای تولیدی است، سه نوع از عیوب کالای تولیدی، شامل عیب‌های تولید<sup>۱</sup> و طراحی<sup>۲</sup> و اطلاع‌رسانی<sup>۳</sup>، را مورد شناسایی قرار داده است. پیرامون عیب‌های اطلاع‌رسانی چنانچه قبل از مصرف هشدارهای مناسب و کافی به صورت درج در کالا یا دفترچه‌های پیوست به اطلاع مصرف‌کننده برسد کالای یادشده معیوب تلقی نمی‌شود و طبیعتاً خطری نیز برای مصرف‌کننده یا

- 
1. manufacturing defects
  2. design defects
  3. information defects

اموال وی ایجاد نخواهد کرد (ابراهیمی ۱۳۸۶: ۲۴). همچنین، هشداردهنده باید به طور واضح و روشن هشدار دهد.<sup>۱</sup> مثلاً «در دعوی در ایالات متحده پزشک بیمار خود را، که به ورم لوزه مبتلا بود، به مصرف کلورمی ستین<sup>۲</sup> توصیه کرده بود. ولی بر اثر مصرف دارو بیمار به کم‌خونی دچار گردید و فوت کرد. اگرچه بر روی دارو درج شده بود که ممکن است از این دارو بی‌نظمی‌های خونی حادث شود، ولی دادگاه آن را کافی ندانست؛ به‌رغم آنکه هشدار با شرایط سازمان پزشکی ایالات متحده سازگار بود.» (جعفری تبار ۱۳۸۹: ۱۳۲). در این فرض، اگرچه پزشک به تعهد قانونی خود عمل کرده است، دادگاه پزشک را نیز مکلف به ارائه هشدارهای کافی و لازم بر مبنای معیار نوعی و عرفی دانسته است. در واقع، پزشک به تعهد عرفی خود درباره هشدار عمل نکرده است. در تصادفی، که ماشین در وضعیت بسیار خطرناکی بود، مسافری که در ماشین بود و مالک آن نبود کاملاً زخمی شد. دعوا در مجلس اعیان دادگاه انگلستان طرح شد با این وصف که آیا مدعی می‌تواند علیه فروشنده‌ای که ماشین را به خریدار در مزایده فروخته یا علیه منتقل‌الیه طرح دعوا کند؟ اگرچه در مزایده ماشین فروشنده از خطر رانندگی با ماشین، که بدون انجام دادن هر گونه معاینه و تعمیرات ضروری فروش رفته بود، علم داشت، در فروش آن منتقل‌الیه پذیرفته بود که وظیفه مراقبت از ماشین به وی واگذار شود و ماشین با این هشدار که خریدار آن را با همه معایب ببیند فروخته شده بود. در نتیجه با پذیرش شرط تحدید مسئولیت مدعی می‌تواند علیه منتقل‌الیه (خریدار ماشین) دعوی مسئولیت طرح کند (Matthews et al. 2009: 619, 620). در این فرض، به جهت اینکه فروشنده درباره خطرات ماشین معیوب به خریدار هشدار داده و وی مسئولیت چنین تعهدی را پذیرفته است، فروشنده مبرا از مسئولیت شناخته شده است. قانون‌گذار ما در بند ۲ ماده ۳ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ مقرر می‌دارد عرضه‌کنندگان کالا و خدمات و تولیدکنندگان مکلفند: «اطلاعات لازم شامل: نوع، کیفیت، کمیت، آگاهی‌های مقدم بر مصرف، تاریخ تولید و انقضای مصرف را در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهند». اگرچه قانون‌گذار در این

۱. وقتی درصدد سلب مسئولیت ناشی از مسامحه و بی‌احتیاطی هستیم، کلمات به طور خاص واضح و روشنی مورد نیاز

است (← داکسبری ۱۳۷۷: ۹۵).

ماده به بیان مواردی راجع به ارائه اطلاعات و هشدارهای ضروری در مورد خدمات و کالای مصرفی پرداخته است، تعهد به ارائه اطلاعات و هشدارهای لازم در مورد شیوه استفاده، عوارض احتمالی، خطرهای استفاده بیش از حد مجاز و استعمال نادرست و نابه‌جای کالا یا خدمات که جزء موارد لازم و ضروری است مورد غفلت قانون‌گذار واقع شده است.

### ب) تناسب هشدار با خطر و مؤثر بودن آن

یکی از شرایط مهم برای اعمال قاعده هشدار تناسب هشدار با خطر یا مؤثر بودن هشدار است. البته مؤثر بودن به معنای وصول هشدار به مخاطب نیست، بلکه مورد اخیر شرطی است که جداگانه بررسی می‌شود. تناسب و کیفیت هشدار تا حد زیادی بستگی به مخاطب هشدار دارد. مثلاً، متصدی حمل‌ونقلی که با توجه به تخصص و مهارت خود هنگام حمل‌ونقل علم و آگاهی از شیوه حمل‌ونقل و بارگیری یک کالای خاص را دارد متفاوت از شخصی است که هیچ‌گونه مهارت و اطلاعی از نحوه حمل‌ونقل آن کالا را ندارد. همچنین، زمان هشدار در شب یا روز با عنایت به اینکه به علم و آگاهی مخاطب از وقوع نوع خطر بستگی دارد شرایط متفاوتی ایجاد می‌کند. مثلاً، ماده ۷۱ آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی مصوب ۱۳۸۴ مقرر می‌دارد: «کلیه وسایل نقلیه شب‌ها هنگام حرکت در جاده‌ها باید سه چراغ یا سه مشعل الکتریکی با نور قرمز یا دو مثلث شب‌رنگ ایمنی که در شرایط جوی معمولی از فاصله ۱۵۰ متری قابل دیدن باشند همراه داشته باشند». همچنین مطابق دستورالعمل عام ایمنی کالای تولیدی ۱۹۹۴ میلادی اتحادیه اروپا<sup>۱</sup> به تناسب هشدار و مؤثر بودن آن تصریح شده است. ماده ۳ دستورالعمل ۱۹۹۹ جامعه اروپا، که به ضابطه انتظار مصرف‌کننده با تناسب کالا پرداخته است، مقرر می‌دارد: «کالایی که فروشنده به خریدار تحویل می‌دهد باید با قرارداد فروش کالا تناسب داشته باشد». به طور کلی، در کامن‌لا یک هشدار زمانی می‌تواند

#### 1. general product safety directive

۲. مطابق ماده ۴ و ۵ دستورالعمل این اتحادیه، تولیدکنندگان کالاها متعهد به ارائه هشدارهای متعارف و منطقی و ارائه همه اطلاعات راجع به استفاده از کالا و همه مراحل استفاده از کالا هستند. اطلاعات داده‌شده نباید به هیچ وجه با استفاده سالم و ایمن از کالا در تناقض باشد. همچنین، تولیدکنندگان مکلف به نظارت مداوم بر کالاهای تولیدی عرضه‌شده در بازارند و باید هشدارها را حسب مقتضیات زمانی و تغییر اوضاع و احوال و اطلاعات به‌دست‌آمده از مصرف‌کنندگان به‌روز و کارکرد کالای خود را پیوسته تحلیل و ارزیابی کنند (← ابراهیمی ۱۳۸۶: ۳۱).

مسئولیت مرتکب یا شخصی را که خطر در نتیجهٔ موقعیت حادثه‌آفرین<sup>۱</sup> در کنترل یا مالکیت وی ایجاد شده زایل کند که شخص ایمنی کامل را ایجاد کرده باشد (Turner 2007: 104). در جوامع کنونی موقعیت‌های خطرآفرین فراوان‌اند. برای این منظور، لازم است مکان و زمان و موضوع خطر در نظر گرفته شود. زیرا هشدار در عملیات حمل‌ونقل، استفاده از کالا، عملیات ورزشی، تخریب، و نیز هشدار در خطرات ساده و کم‌اهمیت یا منجر به مرگ فرق می‌کند. بنابراین، برای تشخیص اینکه چه هشدار مؤثر و متناسب با خطر یا کافی برای رفع مسئولیت یا کاهش مسئولیت هشداردهنده است باید در هر پرونده حقایق آن موضوع به‌خصوص بررسی شود و به قوانین خاص آن موضوع (اگر وجود داشته باشد) و عرف مراجعه شود. مثلاً، مادهٔ ۷۷ آیین‌نامهٔ حفاظت در مقابل خطر پرتوهای یون‌ساز مصوب ۱۳۵۲ مقرر داشته است: «کلیهٔ کارگاه‌ها باید متناسب با نوع عملیاتی که در آن‌ها انجام می‌شود به وسیلهٔ علائم خطری که به‌آسانی قابل تشخیص باشد مشخص گردند». بنابراین، تا حدود زیادی قانون‌گذار ما نیز به این عامل و سنجش آن با معیار نوعی و بررسی موضوعی پرونده نظر داشته است.

### ج) قانونی و مشروع بودن فعل هشداردهنده

از شرایط دیگر اعمال قاعدهٔ هشدار این است که فعل هشداردهنده باید قانونی و مشروع باشد. هشدار برای اعمال غیرقانونی و ممنوع رافع مسئولیت هشداردهنده نیست. به طور کلی قانون از عمل نامشروع حمایت نمی‌کند. چگونه ممکن است شخصی یک فعالیت غیرقانونی انجام دهد، شرایط خطرناک ایجاد کند، جامعه را به مخاطره بکشانند، سپس با هشدار بتواند از مسئولیت رهایی یابد. مثلاً هشدار قاچاقچیان را در نظر بگیرید که در حال حمل‌ونقل یک محمولهٔ مواد مخدر توسط کامیون هستند و در این هنگام با نیروی انتظامی درگیر می‌شوند. اگر در این فرض حین درگیری و عبور عابران قاچاقچیان هشدار دهند و شلیک کنند و عابران در اثر این شلیک مجروح شوند، قاچاقچیان نمی‌توانند به قاعدهٔ هشدار استناد کنند.

### د) تأثیر هشدار یا وصول هشدار به زیان دیده

هدف اصلی از هشدار آن است که مخاطب یا مخاطبان وضعیت خطرناک را دریابند و در پی

دوری و گریز از آن باشند. برخی نویسندگان شرط وصول هشدار به زیان‌دیده را به طور مطلق شرط می‌دانند. توضیح اینکه ایشان معتقدند اگر زیان‌رساننده همه شرایط را رعایت کند ولی هشدار به زیان‌دیده نرسد، زیان‌رساننده مسئول است. این برداشت تصور اشتباهی است. زیرا در این مورد هشدار را باید با معیار نوعی سنجید. اگر زیان‌رساننده همه شرایط ایمنی را رعایت کند و هشدار به کار برد که در آن شرایط برای یک انسان متعارف کافی و لازم باشد، برای رفع مسئولیت وی کافی است. به طور کلی، بی‌توجهی مخاطب هشدار به هشدارهای ارائه‌شده رافع مسئولیت عامل زیان است. از این رو، تفاوتی نمی‌کند که اقدام به هشدار از سوی عامل زیان واقع شود یا از طرف شخص ثالثی صورت گیرد.<sup>۱</sup> مثلاً در یک محیط خطرناک، همچون یک کمپ تفریحی که استخرهای عمیقی دارد، تابلوهای هشدار «شنا مطلقاً ممنوع» در اطراف آن برای یک کودک که توان کافی برای درک آن علایم ندارد هشدار مؤثر محسوب نمی‌شود. اداره‌کنندگان آن محیط خطرناک<sup>۲</sup> باید ایمنی محیط را بالا ببرند. مثلاً در این فرض به وسیله فنس استخر را غیرقابل دسترسی کنند. در محاکم انگلستان، دادگاه به این مورد که کودکان باید تحت مراقبت اولیای خود یا کسانی که تکلیف نگهداری دارند قرار بگیرند و در صورت عدم مراقبت کافی ممکن است ایشان مسئول شناخته شوند توجه ویژه کرده است (Turner 2007: 105). بنابراین، وصول هشدار به زیان‌دیده شرط نیست و باید هر پرونده با معیار کلی که ارائه کردیم، یعنی بررسی هر پرونده در شرایط خود با معیار نوعی، سنجیده شود.

۱. یکی از نویسندگان با توجه به مبانی قاعده هشدار برای این فرض تفکیک قائل شده است. با این بیان که «اگر عدم هشدار به معنای خروج از رفتار متعارف و تقصیر قلمداد شود، در این صورت، تنها هشدار از جانب عامل زیان است که می‌تواند در رفع مسئولیت مؤثر واقع شود. اما اگر عدم توجه به هشدار را به معنای اقدام زیان‌دیده به زیان خود ببینیم، فرقی نمی‌کند که هشدار از جانب عامل زیان صورت گرفته باشد یا شخص ثالثی.» (← میرشکاری ۱۳۹۰: ۷۳). به نظر می‌رسد چنین تفکیکی صحیح نیست. زیرا مخاطب هشدار، که شرایط هشدار کافی و لازم برای وی فراهم بوده و به‌رغم وجود هشدار عرفی یا نوعی، که معیار وصول آن به مخاطب هشدار است، زیان دیده، بدون توجه به این رفتار متعارف، خود را در موقعیت خطرناک قرار داده و عملاً به زیان خویش اقدام کرده است. از این رو، چنین تمایزی صحیح نیست.

۲. در کامن‌لا شخصی را که مالکیت یا کنترل یک محیط حادثه‌آفرین یا خطرناک را به دست دارد occupier می‌نامند.

**ه) امکان اجتناب از خطر**

از شرایط دیگر اعمال قاعده هشدار این است که مخاطب پس از شنیدن یا دیدن هشدار امکان دور شدن از صحنه خطر یا اجتناب از آن را داشته باشد. این شرایط عبارت‌اند از: الف) مخاطب زمان کافی برای گریز از صحنه خطر داشته باشد (مکی عاملی، بی‌تا: ۱۲۰)؛ ب) مخاطب توانایی و قدرت جسمی لازم برای دور شدن از صحنه خطر را داشته باشد (نجفی، بی‌تا: ۶۸)؛ ج) شرایط محیطی مناسب برای گریز از صحنه خطر وجود داشته باشد (محقق داماد ۱۳۸۰: ۱۲۷). مثلاً، اگر «الف» در مورد خطر به «ب» اخطار داده باشد، به این صورت که در هر شرایطی هشدار ارائه‌شده این امکان را برای «ب» فراهم می‌کرده است که به صورت معقول ایمن باشد و این توانایی را به «ب» داده باشد تا از خطر دوری کند، «الف» با دادن چنین هشدار به وظیفه خود در حق «ب» در مورد اقداماتی که برای ایمن بودن از خطر بوده عمل کرده است. بنابراین این انتظار مشروع از سوی «الف» وجود دارد که «ب» با دریافت این هشدار خود را از خطر حفظ کند (McBride & Bagshaw 2008: 228). از این رو، با توجه به شرایط یادشده، چنانچه هشدار در موقع مقتضی و مناسب، که امکان دور شدن از صحنه خطر یا اجتناب از خطر وجود نداشته باشد، به مخاطب یا مخاطبان ارائه نشود به منزله عدم هشدار است. در غیر این صورت، زیان‌دیده به زیان خویش اقدام کرده است و از این حیث مسئولیتی متوجه این هشداردهنده نیست.

به طور کلی، یک فرد نمی‌تواند داوطلبانه خودش را در موقعیتی از خطر آشکار قرار دهد و سپس انتظار کمک از مدعی علیه جهت صدمات قابل انتظار بعدی داشته باشد. در واقع زیان‌دیده فرض خطر را برای خویش پذیرفته است. از این رو، دفاعیه فرض خطر می‌خواهد نشان دهد که خواهان از فرصت فرار آگاهی داشته و با وجود این خطر را نادیده گرفته است. مثلاً، فردی که برای رنگ‌آمیزی یک پل قرارداد می‌بندد، خطر افتادن و سقوط از پل را فرض می‌کند. اما خطر برق‌گرفتگی ناشی از سیم‌کشی نصب‌شده به سبب آگاهی به آن خطر را در نظر نمی‌گیرد (Bockrath 1986: 300).

**و) عدم اقدام عمدی هشداردهنده**

این فرض حالتی را بیان می‌کند که هشداردهنده، به‌رغم ارائه هشدارهای کافی و لازم، عمداً و با



سوءنیت قصد ایراد صدمه و خسارت به هشدارگیرنده را دارد. در این صورت، هشداردهنده در زمینه صدمه و خسارات وارده به زیان دیده مسئول است؛ اگرچه هشدارگیرنده بدون توجه به هشدارهای ارائه شده عمداً به زیان خویش اقدام کرده است. مثلاً، اگر شخصی هنگام انجام دادن یک فعالیت خطرناک، مانند انفجار یک معدن، متوجه فردی شود که بی توجه به علایم هشداری وارد منطقه خطر شده، باید آن فعالیت خطرناک را متوقف کند؛ وگرنه در صورت بروز حادثه وی مسئول است.

برخی نویسندگان حقوقی فرض یادشده را نیز به صورت عکس تحت عنوان شرایط هشدار بیان کرده‌اند، با این بیان که وقتی هشداردهنده از مسئولیت مبرا شناخته می‌شود که هشدارگیرنده خود را در معرض خطر قرار دهد؛ با این توضیح که بدون توجه به هشدار دست به اقدامی زند که نتیجه زیان باری به دنبال داشته باشد و ورود خسارت نتیجه اقدام هشدارگیرنده است (محقق داماد ۱۳۸۰: ۱۲۷ و ۱۲۸). چنین برداشتی راجع به هشدار صحیح به نظر نمی‌رسد و به طور کلی نیاز به چنین شرطی نیست. اینکه هشدارگیرنده به هشدارهای ارائه شده بی توجه بوده و به زیان خویش اقدام کرده است صرفاً بیان قاعده اقدام است و نمی‌توان آن را جزء شرایط هشدار دانست.

### ز) خطر قابل پیش‌بینی در هشدار

اگر در جریان تولید کالایی عیبی موجود باشد که دانش علمی و فنی زمان قادر به تشخیص و رفع آن عیب نباشد، به دلیل غیرقابل پیش‌بینی بودن آن، تولیدکننده ضامن چنین عیبی نخواهد بود (کاتوزیان ۱۳۸۴: ۱۹۶). مثلاً، یک تولیدکننده رنگ رنگی می‌سازد که رنگ ناجوری را فقط روی انواع خاصی از محصولات پارچه‌ای ایجاد می‌کند. تولیدکننده رنگ هشدار می‌دهد که تولیدکننده پوشاک باید آن را روی نمونه کوچکی از پارچه‌ای که می‌خواهد روی آن عملیات رنگ‌رزی را انجام دهد از پیش آزمایش کند. عقل سلیم تصدیق می‌کند که اگر تولیدکننده از رنگ بدون پیش‌آزمون استفاده کند نمی‌تواند تولیدکننده رنگ را مسئول هیچ‌گونه آسیب به وجودآمده بداند. دادگاه می‌تواند از هر یک از اصول یا مفاهیم قانونی و عرفی برای رسیدن به نتیجه استفاده کند. بنابراین می‌توان گفت رنگ عامل نزدیک ضرر نیست؛ بلکه عدم آزمایش دلیل تقریبی‌تر یا فرضی‌تر ضرر است (Slawson 1996: 101). در نظام حقوقی امریکا از بند «الف» ماده ۴۰۲ قانون دوم مسئولیت مدنی امریکا تفاسیر متفاوتی ارائه

شده است. برخی معتقدند منظور از تفسیر این ماده وضعیت حاضر دانش بشری است. بنابراین، تولیدکننده ممکن است حتی درباره عیوبی که امکان کشف آن در زمان فروش وجود نداشته مسئول شناخته شود. عده‌ای بر این نظر هستند که تولیدکننده ممکن است در ارتباط با عیبی مسئول شناخته شود که زمان عرضه کالا به بازار کشف شده و تولیدکننده هشدارهای لازم را به مصرف‌کننده ارائه نداده است. زیرا، تولیدکننده یا سازنده کالا به محض کشف عیب کالا باید کالا را از دسترس مصرف‌کننده خارج کند یا هشدارها و اختارهای لازم را به مصرف‌کنندگان بدهد (ابراهیمی ۱۳۸۶: ۴۳). در نتیجه، چنانچه تولیدکننده یا ارائه‌کننده خدمات به واسطه عدم هشدار درباره هر گونه خطر قابل پیش‌بینی، که به هر طریق می‌توانست به آن علم پیدا کند، عمل نکند در ارتباط با خسارات و خطرات قابل پیش‌بینی مسئول است.

### نتیجه

در جوامع کنونی با پیشرفت سریع تکنولوژی و افزایش شرایط یا موقعیت‌های خطرناک و حادثه‌آفرین نقش مسئولیت مدنی اهمیت برجسته‌ای یافته است. از این رو، روشنفکران جوامع به این فکر افتاده‌اند تا معیارهای نظم‌دهنده روابط اجتماعی را بهبود بخشند. بنابراین، این دیدگاه شکل گرفت که هر زیان ناروایی باید جبران شود. اما برای اجتناب از خطرات گسترده کنونی راهکارهایی، از جمله هشدارها، شکل گرفتند و به تناسب پیشرفت و پیچیده شدن خطرات قانون‌گذاران نیز در پی بهبود این هشدارها و برجسته کردن نقش آن‌ها در مسئولیت مدنی برآمدند. اما، به‌رغم آن، نهادهای قانون‌گذار ملاک و معیار و شرایط قانونی معینی در خصوص هشدار وضع نکرده‌اند. در مورد معیارهای هشدار با عنایت به نظام‌های کنونی حقوق مسئولیت مدنی، که دو معیار شخصی و نوعی را پیش‌بینی کرده‌اند، با سنجش این دو معیار بر مبنای هشدار ملاک سومی تحت عنوان «معیار ترکیبی» بیان شد. در خصوص معیار موصوف عده‌ای از حقوقدانان شرایط بیرونی و خارجی شخص را در نظر می‌گیرند و در مقابل عده‌ای معتقد به در نظر گرفتن شرایط درونی جهت سنجش مسئولیت افراد هستند. به نظر می‌رسد در بررسی سنجش مسئولیت اشخاص باید میان این دو نظریه قائل به تمیز شد. شخصی را که مدیریت یک محیط خطرناک (زیان‌رساننده) را بر عهده دارد یک فرد متخصص و آگاه فرض می‌کنیم و نمی‌توان شرایط درونی را برای سنجش

مسئولیت وی در نظر گرفت. اطلاع و دانش وی از شرایط خطرناک و زیان‌بار به واسطه داشتن فرض تخصص و آگاهی یک فرض معقول و منطقی است. بنابراین، او متعهد به دادن اطلاعات و هشدارهای کافی و لازم در مورد هر گونه خطر احتمالی است. در مقابل برای سنجش مسئولیت زیان‌دیده، که فردی عادی و غیرمتخصص است، باید شرایط درونی و بیرونی وی در نظر گرفته شود. زیرا زیان‌دیده یا مصرف‌کننده متخصص فرض نمی‌شود تا تکلیفی به داشتن استعداد و آگاهی بیشتر درباره هشدار داشته باشد.

در خصوص معیارهای مسئولیت هشداردهنده دیدگاه «مختلط»، به دلیل تسهیل قابلیت انتساب خسارت و وصول آن و پیشگیری و مسئول دانستن همه اشخاص مرتبط با زنجیره، تئوری مناسب‌تری در ارائه هشدارهای کافی و لازم است. قانون‌گذار ما در این خصوص راهکار روشنی ارائه نداده است.

در مورد شرایط هشدار، با مطالعه و تحلیل قواعد حاکم بر آن، بر این عقیده‌ایم که ذکر همه شرایطی که در خصوص شرایط حاکم بر هشدار بیان شد ضروری نیست و این مطالعه موردی و خاص هر پرونده را می‌طلبد که چه شرایطی از موارد هشدار لازم است در آن پرونده بررسی شود تا از آن طریق بتوان به شاخصی جهت سنجش مسئولیت در هشدار دست یافت و تکلیف یک پرونده حقوقی را مشخص کرد.

## منابع

- ابراهیمی، سید نصرالله (۱۳۸۶). «مسئولیت تولید کالای معیوب و حمایت از مصرف‌کنندگان»، پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی، س ۲، ش ۵، ص ۱۳ - ۵۴.
- اسماعیلی، محسن (۱۳۸۱). *قوه قاهره: مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام، ایران، تصمیمات و آرای دیوان داور و دعاوی ایران-ایالات متحده*، تهران، سروش (انتشارات صدا و سیما).
- بادینی، حسن (۱۳۸۹). «نگرشی انتقادی به معیار انسان معقول و متعارف برای تشخیص تقصیر در مسئولیت مدنی»، فصلنامه حقوق دانشگاه تهران، د ۴۰، ش ۱، ص ۷۳ - ۹۳.
- تقوی اشتهاردی، حسین (۱۴۲۷ ق). *تنقیح الاصول*، قم، مؤسسه العروج، ج ۴.
- الجبعی العاملی، زین‌الدین (۱۴۱۶ ق). *مسالك الافهام*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامی، ج ۱۲.
- جعفری تبار، حسن (۱۳۸۹). *مسئولیت مدنی کالاها*، تهران، دادگستر.
- داکسبری، رابرت (۱۳۷۷). *مروری بر حقوق قراردادهای در انگلستان*، ترجمه و توضیحات از حسین میرمحمد صادقی، تهران، حقوقدان.
- السنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۹۸ م). *الوسیط*، بیروت، منشورات الحلبي الحقوقیه، ج ۲.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۵). *اصول قراردادهای و تعهدات*، تهران، مجد.
- صفایی، سید حسین؛ حبیب‌الله رحیمی (۱۳۹۸). *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*، تهران، سمت.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن (۱۴۰۶ ق). *تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه*، بیروت، دارالاضواء، ج ۱۰.
- قاسم‌زاده، مرتضی (۱۳۸۴). *مبانی مسئولیت مدنی*، تهران، میزان.
- قاسمی حامد، عباس (۱۳۸۸). «تعهد به ارائه اطلاعات به مصرف‌کننده در حقوق فرانسه»، *تحقیقات حقوقی*، ش ۴۹، ص ۱۸۷ - ۲۰۹.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). «حمایت از زیان‌دیده و مسئولیت تولیدکننده در حقوق فرانسه»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ش ۶۸، ص ۱۷۹ - ۱۹۸.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۷). *الزام‌های خارج از قرارداد، قواعد عمومی*، تهران، گنج دانش، ج ۱.
- کله‌لوا، ژان (۱۳۷۷). «معرفی حقوق مصرف‌کننده»، مترجم: عباس قاسمی حامد، *مجله حقوقی دفتر خدمات*

- بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ش ۲۳، ص ۲۳۹ - ۲۵۸.
- گرچی، ابوالقاسم (۱۳۸۷). مبانی حقوق اسلامی، تهران، مجد.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۰). قواعد فقه، بخش مدنی ۲، تهران، سمت.
- مکی عاملی، محمد بن عمادالدین (بی تا). اللمعة الدمشقیة، بیروت، دار العالم الاسلامی.
- موسوی بجنوردی، حسن (۱۴۲۱ ق). منتهی الاصول، قم، مؤسسه العروج، ج ۲.
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۵). قواعد الفقهیه، تهران، مجد.
- موسوی بجنوردی، محمد (۱۳۸۷). شرح کفایة الاصول، تهران، مجد.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۴۱۴ ق). الاستصحاب، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم (بی تا). مبانی تکملة المنهاج، بیروت، نشر دار الزهرا.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۰ ق). اجود التقریرات، قم، مؤسسه صاحب الامر (عج)، ج ۴.
- میرشکاری، عباس (۱۳۹۰). «نقش هشدار در مسئولیت مدنی»، کانون، ش ۱۲۲، س ۵۳، ص ۶۸ - ۷۹.
- نجفی، محمدحسن (بی تا). جواهر الکلام، بیروت، نشر دار الاحیاء التراث العربی، ج ۴۳.
- النقیب، عاطف (۱۹۸۱ م). النظرية العامة للمسئولية الناشئة عن فعل اشياء فسی مبادئها القانونية واجهها العلمية، بیروت، منشورات عویدات.

## References

- Al Jebel Alhameli, Z. (1995). *Masalek Al Afham*, Islamic Science Institution, Qom. (in Arabic)
- Ameli, Z. Ibn A. (1995). *Masalek Al Afham*, Qom, Publication of Islamic Education Institute. (in Arabic)
- Badini, H. (2010). "A Critical Study of Reasonable and Ordinary Person for Determining Fault in Tort Liability", *Private Law Studies Quarterly*, 40(1), pp. 73-93. (in Persian)
- Barton Hutt, P. (2000). *Heidi Piranian Food and Drug Law*, Harvard Law School.
- Bayles, M. D. (1987). *Principles of Law: A Normative Analysis*, D. Reidel Publishing Company.
- Bockrath, J. T. (1986). *Dunham and Young's Contracts, Specifications and Law for engineers*, 4<sup>th</sup> ed, New York.
- Calais-Auloy, J. (1998). "Introduction to Consumer Law", Translation By H. Ghasemi, *Journal of International Law*, 23, pp. 239-258. (in Persian)
- Deakin, S., Johnston, A., & Markesinis, B. (2008). *Tort Law*, 6<sup>th</sup> ed, Oxford, New York.
- Duxbury, R. (1998). *An Introduction to the Law of Contracts in England*, Translation and Comments by H. M.M. Sadeghi, Tehran, Hoghugdan Publishing. (in Persian)

- Ebrahimi, N. (2009). "The Liability for Producing Defective Goods and Protecting Consumers", *Journal of Law & Political Science*, 5(2), pp. 13-54. (in Persian)
- Esmaili, M. (2002). *Force Majeure: Comparative Study of Islamic Law, Iran, and Decisions of Iran-United States Tribunal*, Tehran, Soroush Publishing. (in Persian)
- Ghasemi Hamed, A. (2009). "The Duty to Provide Consumers with Information under French Law", *Legal Research Quarterly*, 49, pp. 187-209. (in Persian)
- Ghasemzadeh, M. (2004). *Foundations of Civil Liability*, Tehran, Mizan Publishing. (in Persian)
- Ghorji, A. (2008). *Foundations of Islamic Law*, Tehran, Majd Publishing. (in Persian)
- Harvey, B. & Marston, J. (1998). *Cases & Commentary on Tort*, 3<sup>th</sup> ed, Financial Times, London.
- Jafari-Tabar, H. (2010). *Civil Liability for Goods*, Tehran, Dadgostar Publishing. (in Persian)
- Jourdain, P. (2007). "Les Principes de la te Civile", Dalloz.
- Katouzian, N. (2004). "Protecting Injured and Liability of Producers under French Law", *Journal of Law and Political Science*, 68, pp. 179-198.
- (2004). *Extra Contractual Obligations: General Principles*, Tehran, Ganj e Danesh Publishing. (in Persian)
- Kenneth, M. W. (1981). *Failures to Warn and the Sophisticated User Defense*, Virginia Law Reviw.
- Le Toumeau, P. & Cadiet, L. (2002). "Droit de la Responsabilit et Des Contrats", Editions Dalloz.
- Maki Ameli, M. Ibn E. *Alma'a Al- Dameshghiye*, Beirut, Islamic World House Publishing. (in Arabic)
- Malaurie & Aynes (2002). *Obligations, I Responsabilit Delictuelle*, 11<sup>th</sup> ed, edition CULAS.
- Matthews, M., Morgan, J., & Ocinneide, C. (2009). *Tort Cases and Materials*, 6<sup>th</sup> ed, Oxford, New York.
- Mazead (Henri et Leon) (1965). "Traite theorique et Pratique de la Responsabilite", T.I, 6eme edition, Par Andere Tunc, Editions Montchrestien.
- McBride, N. J. & Bagshaw, R. (2008). *Tort Law*, 3<sup>th</sup> ed, Oxford, New York.
- Mir Shekari, A. (2011). "The Role of Warning in Civil Liability", *The Bar Review*, 53(122), pp. 68-79. (in Persian)
- Mohaghegh Damad, M. (2001). *Sharia Law*, Tehran, Samt Publishing. (in Persian)
- Mousavi-Bojnourdi, H. (2000). *Montaha Alusul*, Qom, Al-Arouj Foundation. (in Arabic)
- Mousavi-Bojnourdi, M. (2005). *Ghavaed Al- Fegghi*, Tehran, Majd Publishing. (in Arabic)
- Mousavi-Bojnourdi, M. (2007). *A Commentary on Kefayet El-Usual*, Tehran, Majd Publishing. (2008)
- Mousavi Khoei, A. (1999). *Ajvad Al-Taghrirat*, Qom, Saheb ol Amr Foundation. (in Arabic)
- *Mabani Takmelat Ol Menhaj*, Beirut, Dar Al Zaahra Publishing. (in Arabic)
- Musavi Khomeini, R. (1993). *Al Esteshab*, Tehran, Institution for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini. (in Arabic)
- Najafi, M. *Javaher Al-Kalam*, Beirut, Publishing House of the Revival of the Arab

- Heritage. (in Arabic)
- Rickett, Ef.Ch. (2008). *Justifying Private Law Remedies*, Published in north America (Us and Canada).
- Safaei, H. & Rahimi, H. (2019). *Civil Liability (Extra-Contractual Obligations)*, Tehran, Samt Publsihing. (in Persian)
- Sanhoury, A. (1998). *Alvasit*, Beirut, Al-Halabi Publications. (in Arabic)
- Shahidi, M. (2006). *Principles of Contracts and Obligations*, Tehran, Majd Publishing. (in Persian)
- Slawson, W. D. (1996). *Binding Promises*, New Jersey, Unirersity Press.
- Taghavi Eshtehardi, H. (2006). *Tangih Al Usul*, Qom, Mossasat Al Uruj. (in Arabic)
- Turner, Ch. (2007). *Tort Law*, 2<sup>th</sup> ed, Hondder Arnold, London.
- Tusi, A. J. M. Ibn A. (1985). *Tahdhib Al-Ahkam Fi Sharh Al-Muqni*, Beirut, Dar Al-Azwa. (in Arabic)
- Viney, G. & Jourdain, P. (1998). *Traite de droit civil, Les Conditions de la Responsabilite*, 2<sup>th</sup> ed, L. G. D. J.
- Viney, G. (2009). *Traite de droit civil, Intodution a la Responsabilite*, 2<sup>th</sup> ed, L. G. D. J. Edition Alpha.
- Willner, K. M. (1988). "Failures to Warn and the Sophisticated User Defense", *Virginia Law Review*, pp. 579-607.

